

فساد عظیم سه هزار میلیارد تومانی

رئیس کل بانک مرکزی را وزیر دارائی به رئیس جمهور معرفی می‌کند، هیئت مدیره بانک‌ها محصول مشترک وزیر دارائی و رئیس کل بانک مرکزی هستند و روسای شعب بانکها و منطقه‌ها دست‌چین روسای بانکها و هیئت مدیره‌ها با اطمینان از وفاداری جناحی آنها گماشته می‌شوند. در چنین شرایطی، یک دستور واگذاری اعتبار و حتی یک سفارش تلفنی، درخواست گشایش اعتبار برای واردات را به جریان می‌اندازد و میلیون‌ها دلار حواله می‌شود بی‌آنکه مقررات و ملاحظات معمول بانکی رعایت شود و تضمینی وجود داشته باشد که کالای واقعی به ارزش ارزی واقعی وارد کشور می‌شود طبق مقررات اجرائی بانکی، هر شعبه با هر درجه بندی، حد و مرزی برای واگذاری اعتبار و یا پیشنهاد اعطای اعتبار برای هر امر اقتصادی دارد. هر قدر مبلغ اعتبار بیشتر باشد مراحل رسیدگی، تعداد امضاهای تایید و معرفی‌ها نوع و حدود ضمانت‌ها بیشتر می‌شود.

بسیار ساده می‌توان هر پرونده اعتبار بانکی سوءاستفاده را از لحظه شکل‌گیری تا پایان، مورد بررسی فنی و کارشناسی قرارداد و دید چه عواملی در جلب این موافقت‌ها نقش داشته‌اند. شنیدن مکالمات تلفنی وزیر دارائی، رئیس کل بانک مرکزی، مدیران بانک‌ها، روسای شعب و روسای مناطق و نیز ملاحظه نامه‌ها و مکاتبات از بالا به پایین چگونگی پیدایش این فاجعه‌های اقتصادی را آشکار می‌سازد.

در شرایطی که بواسطه بسته بودن بازار پول و ارز و اعتباری کشور و عدم رابطه عادی با دنیا، حداقل نرخ بهره در کشور تا پنج برابر نرخ رایج در جهان شده، بانکداری یا تسلط بر پول دیگران به سودآورترین حرفه در ایران تبدیل شده و سود سرمایه فراتر از شصت درصد کمترین مزایای بانکداری در جمهوری اسلامی است. به همین علت است که هر باند اقتصادی - سیاسی بدنبال کسب مجوز تاسیس یک بانک، یک موسسه وام و اعتبار و یا یک تعاونی اعتباری است. بانک مرکزی که دست‌نشانده وزیر دارائی و مقامات سیاسی شده دیگر دارای آن قداست و توان نظارتی و اجرائی نیست که در برابر این تقاضاها ایستادگی کند. نیاز به وجود بانک جدید، حوزه جغرافیایی فعالیت بانک با نوع فعالیت، منابع تامین سرمایه اولیه، اهلیت موسسین، صلاحیت حرفه‌ای مدیران، سوابق مدیران و صاحبان، بدهی آنها به سیستم بانکی و مالیاتی، پرونده‌های آنان در قوه قضائیه، حسن شهرت آنها و ده‌ها نکات دیگر، در همه دنیا پیش از صدور مجوز فعالیت بانکی از همه مراجع رسمی و غیررسمی مورد پژوهش قرار می‌گیرد که مسلم است در نظام سیاسی اقتصادی بسته محفلی، خانوادگی و فرقه‌ای فعلی انجام آن به طور دقیق قابل تحقق نیست.

در جامعه ما، تسلط باندها بر بانک‌ها و موسسات مالی و اعتباری مقدمه تسلط آنها بر اموال دولتی و ثروت‌های ملی است که به بهانه خصوصی سازی از کانال بورس ناقص و دستکاری شده و یا مذاکره مستقیم انجام می‌شود، که حاصل آن پیدایش یک طبقه سرمایه‌دار ممتاز نوکیسه در کشور و در انحصار گرفتن کالاها و بازارها، ساختمان‌ها، مراکز تجاری و تسلط بر قیمت‌ها و شبکه توزیع و واردات است. پرسش این است که باندهای مسلط بر واردات میوه، شکر، داروهای خاص، پارچه، روغن نباتی، گندم، بنزین شامل چه کسانی است و از کجا و کی پیدا شده‌اند؟ حاصل چنین وضعی تشدید اختلافات طبقاتی با بدتر شدن نحوه توزیع ثروت و درآمد در کشور، تشدید فشارهای تورمی، بویژه پس از بازی هدفمند کردن یارانه‌ها و در نهایت فرو رفتن درصد بیشتری از مردم کشور به زیر خط فقر است. تازمانی که نظام سیاسی بر پایه دموکراسی و حکومت جمهوری راستین، و نظام اداری کشور بر پایه شایسته‌سالاری بجای وابسته‌سالاری، استقرار نیابد تکرار این رانت‌خواری‌ها و سوءاستفاده‌ها و سوء مدیریت‌ها حتی در ابعاد بزرگ‌تر و وخیم‌تر اجتناب‌ناپذیر است.

هفته‌هاست که موضوع ارتشاء سه هزار میلیارد تومانی از بانک صادرات توسط فردی که می‌خواست بانکی به نام بانک آریا تاسیس کند، همه محافل اقتصادی و اجتماعی و حتی مردم عادی را شگفت زده کرده است. مهمتر اینکه همین فرد و یا باند او شرکت فولاد خوزستان را هم که ۵۰/۵ درصد آن متعلق به دولت بوده خریداری کرده است. به گفته رئیس سازمان حسابرسی متهم با یاری کارشناسان و مشاوران بانکی و پرداخت یک میلیارد تومان رشوه، اقدام به تهیه اعتبار اسنادی خارج از سیستم نرم‌افزاری بانک و حدود اختیارات و بدون ثبت در دفاتر شعبه کرده و سپس این اسناد اعتباری را در ۷ بانک دیگر توزیع کرده و در سررسید با گرفتن اعتبارات تازه نسبت به تسویه اسناد قبلی اقدام کرده است. در همه این امور، جعل، تبانی و عدم انعکاس رویدادها در دفاتر و عدم ارسال اطلاعات به مراکز صلاحیت دار انجام گرفته است که نشانه سستی و غفلت کل نظام نظارتی بانکی زیر نظر وزیر اقتصاد و رئیس کل بانک مرکزی است. و این افراد در برابر ملت ایران یا صاحبان اصلی بانک‌ها و ثروت‌های ملی باید پاسخگو باشند. از دید کارشناسی کار سازمان خصوصی سازی، بورس اوراق بهادار و طرز کار بانک‌ها، به ویژه در زمینه واگذاری اعتبارات در همه زمینه‌ها مانند بقیه امور اقتصادی، از پایه معیوب است. اختلاس سه هزار میلیارد تومانی فقط نمونه‌ای از بیماری و حشتناک فساد در سیستم بانکی و دستگاه‌های اداری کشور است. پرسش اصلی این است که چرا اینگونه سوءاستفاده‌ها به داستان روزمره تبدیل شده و علیرغم افشاگری‌های سربسته (مانند فهرست ۲۵۰ نفره مفسدان اقتصادی که آقای رئیس جمهور شش سال پیش هنگام معرفی کابینه خود به مجلس درجیب داشت)، یا بدهکاران میلیاردی به سیستم بانکی که قرار بود نامهایشان منتشر شود، یا چگونگی پیدایش ۶۰ هزار میلیارد تومان معوقه‌های بانکی و یا داستان زمین‌خواری‌های بزرگ، هرگز به طور جدی تعقیب نشده و کاهشی در اینگونه جرائم کلان دیده نشده است. دلیل عمده این سوءاستفاده‌ها و انحرافات اقتصادی، بیراهه‌ایست که از روز اول انقلاب در نظام سیاسی کشور و طرز تقسیم پست‌ها و مقام‌های درآمدزا به گروهی از سردمداران انقلاب (برخی روحانیان و بازاریان خاص) روی داد. همین باند و گروه پس از ده ماه از انقلاب با حادثه اشغال سفارت آمریکا و گروگانگیری، بقیه دارندگان سهم در انقلاب را به تدریج از صحنه خارج کردند و همزمان سرنوشت وزارت بازرگانی، بنیاد مستضعفان، بنیاد مسکن و سایر مراکز حساس اقتصادی را به دست گرفتند. اگر سه هزار میلیارد تومان از بانک‌های دولتی به بهانه واردات و گشایش اعتبار کلاهبرداری شد، به این دلیل است که باندهای خاص، فرد یا افراد خاصی را به عنوان وزیر وارد کابینه می‌کند این فرد یا افراد تمام مقررات حمایتی پنجاه ساله واردات و صادرات را که به کمک آنها پایه‌های صنعتی سازی کشور ریخته شده بود لغو کردند.

دیگر برای واردات ثبت سفارش لازم نیست، دیگر بانک‌ها حق ثبت سفارش نمی‌گیرند و از سپرده ثبت سفارش خبری نیست. حقوق گمرکی و تعرفه‌های حافظ تولیدات داخلی، سهمیه‌های مجاز واردات، محدودیت‌های ارزی و مقداری واردات به بهانه بازرگانی آزاد که مطلوب بازاریان وارداتی است، برچیده شده است. دیگر کسی نمی‌تواند بداند که چه کالائی به چه مقدار و از کجا وارد می‌شود، چگونه تامین مالی شده، قیمت‌های واقعی چیستند، به کجا حمل می‌شود و در کجا یا در کدام کارخانه تبدیل به کالای نهایی می‌شود و چگونه به دست مصرف‌کننده می‌رسد. کلاهبرداری سه هزار میلیارد تومانی از سیستم بانکی دولتی در شرایطی صورت می‌گیرد که تمامی سلسله مراتب تصمیم‌گیرندگان در یک خط قرار دارند. رئیس جمهور وزیر دارائی را انتخاب می‌کند که مسلماً باید با باند او باشد،

خوان یغما

بس دست قوی به خوان یغما دارند

هرگز نه غم از کیفر فردا دارند

حکام به غارت ید طولا دارند

امروز هر آنچه هست دزدند و بَرند